

# نگاهی به قبایل در تانزانیا

امیر بهرام عرب احمدی



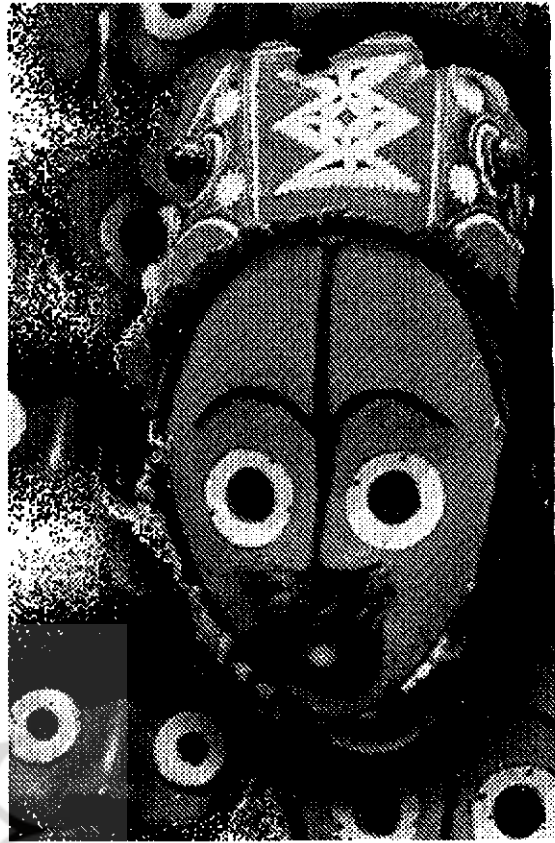
## موقعیت مکانی قبایل اصلی

برخلاف سایر کشورهای آفریقایی، قبایل موجود در تانزانیا مناطق خاص و مشخصی را به خود اختصاص نداده‌اند. اکنون ۱۲۰ قبیله در مناطق مختلف این کشور پراکنده‌اند. گفتنی است بیشتر گروه‌های نژادی موجود در کشور از نژاد بانتو بوده که با مهاجرت تدریجی از منطقه جنوب آفریقا به بخش‌های میانی این قاره رخنه نموده‌اند. در حال حاضر، قبیله وا - سوکومو (Wa - Sukuma) مستقر در نواحی اطراف دریاچه ویکتوریا بزرگترین قبیله تانزانیا به شمار رفته و جمعیتی بالغ بر سه میلیون را شامل می‌شود. دیگر قبایل بزرگ این کشور عبارتند: از وا - هایا (Wa - Haya) مستقر در غرب دریاچه ویکتوریا؛ وا - چاگا (Wa - Chaga) مستقر در دامنه کوه کلیما نجارو؛ وا - نیاموازی (Wa - Nyamwezi) مستقر در مرکز تانزانیا؛ وا - گوگو (Wa - Gogo) مستقر در مرکز کشور؛ وا - هه (Wa - Hehe)؛ وا - نگونی (Wa - Ngoni)؛ وا - نیوکیوسا (Wa - Nyokuosa) مستقر در مناطق مرتفع جنوب؛ و وا - ماسایی (Wa - Masai) پراکنده در طول مناطق شمالی کشور و در داخل کشور کنیا. بعضی از ماسایی‌ها به دیگر مناطق سرزمین اصلی نظیر رواها (Ruaha) در ایالت ایرینگا، پوانی (Pwani) و هاندنی

تنوع و گوناگونی قبایل و طوایف از مهمترین ویژگی‌های قاره آفریقا است که جایگاه مهمی را از لحاظ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به خود اختصاص داده است. این قبایل عامل اصلی بروز هرگونه شورش، ناآرامی، کودتا، جنگ‌های داخلی و خارجی و در مجموع عامل عدم ثبات اکثر کشورهای این قاره به شمار می‌روند، به گونه‌ای که عدم موازنه بین قبایل اصلی و محروم ماندن آنان از دستیابی به قدرت، فجایع بزرگی را در این قاره به وجود آورده است.

نمونه مشخص این امر در سومالی و رواندا به چشم می‌خورد که تخاصم و دشمنی بین قبایل، سبب خونریزی‌های فراوان و دخالت کشورهای خارجی و به خطر افتادن امنیت مناطق شاخ آفریقا و آفریقای شرقی گردید. تانزانیا از جمله کشورهایی است که تنوع قبایل در آن به خوبی محسوس است. اما بر خلاف سایر کشورها، دولت تانزانیا توانسته است با واگذاری مشاغل مهم به هر یک از این قبایل، از بروز اغتشاش جلوگیری کرده و امنیت کاملی را در سطح کشور فراهم آورد.

در این مقاله نگاهی داریم به وضعیت این قبایل، نحوه پراکندگی آنها در کشور، آداب و رسوم و ویژگی‌های خاص فرهنگی آنها.



جزیره پراکنده شده‌اند. در حال حاضر، اقلیتی اروپایی، عرب، شیرازی‌الاصل و کوموری به همراه اکثریت آفریقایی در این جزیره زندگی می‌کنند.

آفریقایی‌های ساکن این جزیره معتقدند که سال‌ها پیش در جزایر زنگبار و پمبا سکونت یافته‌اند و لذا می‌توان گفت که جمعیت فعلی آفریقایی این جزایر شامل بومیانی است که از سال‌ها پیش به این جزایر مهاجرت کرده‌اند و به همراه برده‌های سابق و کسانی که در طول دوره استعمار انگلستان جهت کارگری و بیگاری به این مناطق آورده شده‌اند، زندگی می‌کنند.

دو گروه نژادی که عقیده دارند از سرزمین اصلی (تانگانیکا) به زنگبار مهاجرت کرده‌اند، تومباتو (Tumbatu) و هادیمو (Hadimu) هستند. محل استقرار تومباتو منطقه شمال شرقی زنگبار بود که بعدها سراسر شمال را تحت تصرف خود درآورده‌اند؛ هادیموها نیز مناطق مرکزی و شرقی جزیره را به عنوان محل سکونت خود در نظر گرفته بوده‌اند که هنوز نیز این نحوه استقرار کم و بیش به چشم می‌خورد. قبیله اصلی که در جزیره پمبا سکونت یافت پمبا (Pembe) بود. اما گروه کوچکی از تومباتوها نیز در قسمت‌های جنوبی جزیره پمبا اقامت گزیده‌اند.

### اختلاط نژادی در جزیره زنگبار

اولین کسانی که وارد این جزیره شدند فنیقی‌ها، آشوری‌ها، ایرانی‌ها، هندوها، یهودی‌ها و اعراب بودند. تجاری از شیراز و یکی دیگر از شهرهای کوچک ایران (شوشتر) نیز در حدود قرن دهم میلادی وارد جزیره زنگبار شده و با بومیان ساکن این جزیره شامل هادیموها و تومباتوها ازدواج و اختلاط نمودند. شیرازی‌های کنونی که حاصل اختلاط خونی شیرازی‌های مهاجر و اقوام بومی ساکن جزایر زنگبار و پمبا بوده و امروزه اغلب به نام سواحیلی‌ها خوانده می‌شوند، حاصل این اختلاط هستند. اعراب عمانی نیز در خلق نژاد و زبان و فرهنگ سواحیلی سهم داشته و تأثیر مهمی در اختلاط خونی و نژادی و ترکیب فرهنگ‌ها با یکدیگر داشتند. کوموری‌ها که گروه نژادی کوچکی را در زنگبار تشکیل می‌دهند، عمدتاً از جزیره فرانسه زبان کومور، واقع در اقیانوس هند به زنگبار مهاجرت نموده‌اند.

می‌گویند در طی قرون هفتم تا دهم میلادی اعراب موقعیتی بدست آوردند تا ضمن ورود به این جزیره با مردم بومی این منطقه اختلاط یافته و اقلیت‌هایی را

(Handeni) در ایالت تانگا (Tanga) مهاجرت نموده و

در این مناطق مستقر شده‌اند.

تاکنون چهار زبان عمده که اهالی قبایل تکلم می‌کنند، مشخص شده است. زبان اصلی «باتتو» است که به وسیله اهالی قبایل نیلوتس (Nilotes)، کوشیتس (Cushites) و خوسان (Khusan) تکلم می‌شود.

امروزه این قبایل به دلیل مهاجرت‌های گوناگون به مناطق روستایی و شهری و استفاده از زبان سواحیلی به عنوان زبان مشترک، قرابت بسیار با هم پیدا کرده‌اند.

### قبایل زنگبار

جزیره زنگبار که از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۶۳ میلادی تحت الحمایه بریتانیای کبیر به شمار می‌رفت، جزیره‌ای واقع در اقیانوس هند و دور از ساحل سرزمین اصلی (Mainland) است. این جزیره همراه با دو جزیره مافیا و پمبا کم ارتفاع‌ترین مناطق تانزانیا و شرق آفریقا هستند. جزیره زنگبار با مساحت ۷۲۴۰ کیلومتر مربع در منطقه شمال شرقی دارالسلام و روبروی منطقه باگامویو در سرزمین اصلی قرار دارد.

زنگبار دارای جامعه‌ای چند نژادی متشکل از آسیایی‌ها، آفریقایی‌ها و اروپایی‌هایی است که در سرتاسر

تشکیل دهند. علاوه بر آن، در سال ۹۵۰ میلادی علی حسن ابن‌السلطان شیرازی به دنبال منازعات و اختلافاتی که با حاکمان عرب این مناطق پیدا کرد به اتفاق ۷ پسر و گروهی از هواداران خود از شیراز گریخته و در جزیره زنگبار سکونت یافت. علی حسن بن السلطان به همراه هفت پسرش که به ۷ کشتی مجهز بودند تاریخ جدیدی از اختلاط آفریقایی‌ها و آسیایی‌ها را در جزیره زنگبار خلق نمودند که هنوز نیز ادامه دارد.

### زندگی و فرهنگ قبایل تانزانیا

علی‌رغم افزایش ارتباطات با دیگر کشورها، تانزانیا همواره بر حفظ و تداوم میراث و فرهنگ خود اصرار ورزیده است. اجرای مراسم عبادی باستانی و آداب و رسوم نشأت گرفته از گذشته، هم اکنون نیز از سوی بسیاری از قبایل انجام گرفته و زندگی روزمره در مقیاس وسیعی تمرین و تکرار سنت‌های گذشته است. حوادث زندگی، تولد، ازدواج، مرگ و میر، جشن‌های مختلف و غیره همگی جلوه‌هایی از آداب و رسوم پیشینیان کشور است. برای مثال، در خصوص ازدواج رسم اهدای شیر بها به وسیله داماد هنوز مورد احترام است و داماد هنوز با اهدای گاو، بز، شراب محلی و مقداری وسایل گوناگون مخصوص کشاورزی به پدر زن (به منظور خوشحال نمودن وی) عروس خود را به منزل می‌برند؛ البته در بعضی اماکن معادل پولی آن هم قابل قبول است. گفتنی است در عصر جدید انجام مقدمات برگزاری عروسی به تدریج در حال نابودی و محو شدن است و در شهرهای

کوچک و بزرگ این امر محسوس‌تر است، در شهرها نسل جوان معمولاً برای ازدواج با شخص مورد علاقه خود آزاد است. امروزه ازدواج یک نفر از قبیله نیلوتیک لو (Nilotec Luo) در کنار دریاچه ویکتوریا با دختری بانو نژاد از قبیله نگونی (Ngoni) عجیب نیست و هر دو طرف نیز با این قضیه مخالف نیستند، در صورتی که طبق سنن گذشته این امر غیرقابل قبول بود. با این حال هنوز مرد به عنوان قدرت مطلق و آقا در خانه و در بین خانواده خود محسوب می‌شود.

بیشتر قبایل بر طبق رسوم طایفه‌ای خود به مرد اجازه می‌دهند که در صورت علاقه با دو یا سه زن ازدواج کند، این امر ارتباط مستقیم با درآمد شخص و قابلیت اداره و گذران دو یا سه خانواده از سوی وی دارد. رسوم قبیله‌ای به مردها اجازه می‌دهد، در صورتی که پی به راز خیانت زن خود برند با هر کسی که می‌خواهند ازدواج کنند، البته ظهور مسیحیت و تمدن جدید مردها را متقاعد کرده که به داشتن تنها یک زن خشنود باشند و حتی مسلمانان نیز عموماً به یک زن اکتفا نموده‌اند.

در تانزانیا نظیر بسیاری دیگر از کشورهای آفریقایی خانواده جمعیت زیادی را شامل عموها، دایی‌ها، عمه‌ها، خاله‌ها، خواهرها و برادرها، پدرزن، مادرزن، برادرزن‌ها، و خواهرزن‌ها را دربرمی‌گیرد. خانواده هنوز هم به عنوان هستی و جوهر نیرومند اجتماعی اکثر قبایل کشور مورد احترام است و کلیه منازعات و درگیری‌های فامیلی به وسیله هیئتی متشکل از اعضای طایفه و ریش سفیدان حل و رفع می‌شود و در تمامی حوادث، چه شاد و چه غمناک، کلیه اعضای طایفه در آن مشارکت ورزیده و خود را سهم می‌دانند.

شایان ذکر است با وجود اینکه تغییرات حاصل از تمدن جدید بر روی زندگی بسیاری از تانزانیایی‌ها تأثیر می‌گذارد، هنوز قبایلی وجود دارند که خود را از معرض برخورد با مظاهر تمدن دور نگه داشته‌اند. قبیله وا - تیندیگا (Wa - Tindiga) هنوز به حالت ابتدایی و از طریق جستجوی ریشه درختان و شکار زندگی می‌کنند و خانه‌های آنان به سبک پیشینیان حالت پناهگاه‌های زیرزمینی دارند.

قبیله وا - بارباگ (Wa - Barbaig) و نی لوتیک (Nilotic) هنوز به طور منحصر به فرد در مناطق چمنزار و علفزار و از طریق شیر و گوشت امرار معاش می‌کنند. با این حال، باید یادآور شد که این قبایل به تدریج در حال پاسخگویی به تلاش دولت جهت سکونت دادن آنها در دهکده‌های جدید با امکانات و تجهیزات آموزشی و بهداشتی می‌باشند. یکی از قبایلی که دولت درصدد جذب آنهاست قبیله ماسایی است که هنوز ایده‌آل‌های



قدیمی و کهن خود را حفظ نموده است. افسانه قدیمی «اول از همه، خدا ماسایی را خلق کرد، بعد او گاو و گوسفند را آفرید تا ماسایی‌ها زنده بمانند و بدین سبب تمامی گله‌های گاو و گوسفند جهان حق الهی و خدایی ماسایی‌هاست» هنوز مورد قبول ماسایی‌هاست و گاو و گوسفند عامل اصلی حیات آنها به شمار می‌روند.

### فرهنگ عامه قبایل

یکی از مهمترین مفاهیم فرهنگ عامه تانزانایی‌ها رقص سنتی آنها نتوما (Neoma) است که نمودار فعالیت‌ها، آداب و رسوم سنتی یا حادثه‌ها و وقایع شاخص این قبایل است و با استفاده از لباس‌های رنگی و با احساس تمام اجرا می‌شود. در زبان سواحیلی کلمه نتوما از طبل بزرگ مأخوذ می‌گردد که ابزار موزیکال اصلی مورد استفاده در هر رقص است. داستان برهنه یا چوب‌هایی که بر طبل بزرگ کوبیده می‌شود رقص را وادار به پیروی از خود می‌کند. علاوه بر این، ابزار گوناگون دیگری نیز در رقص نتوما دخالت دارد که شامل فلوت‌ها، سوت‌ها و شاخ‌های حیوانات (به عنوان ترومپت) است. مدل‌های رقص نتوما در هر قبیله متفاوت از سایر قبایل است. برای مثال، در قبیله وا - ماکونده (Wa - Makonde) رقص در جین رقص بدن خود را به شدت می‌لرزاند و به روش سیندیمبا (Sindimba) می‌رقصد. رقصان وا - زارامو (Wa - Zaramo) در حین رقص موج‌هایی زیبا توأم با پرسش‌های منظم خلق می‌کنند و تمامی بینندگان را به وجد می‌آورند؛ رقص منحصر به فرد افراد قبیله ماسایی‌ها بدین صورت است که آنها در حال رقص توأم با پرسش با سرودها و آهنگ‌های بلندی که از مسافت‌های دور نیز به خوبی شنیده می‌شود، همراهی می‌شوند.

این رقص‌های توأم با آداب و رسوم خاص معمولاً دارای هیجان زیادی بوده و حتی گاه بینندگان را دچار ترس و وحشت می‌سازد. صورت‌های نقاشی شده با خط‌های کج و موج گوناگون، ماسک‌های مختلف که رقصان بر صورت خود می‌زنند، استفاده از مجسمه‌های رعب‌انگیز در حین رقص، رقص به حالت قدم زدن به همراه مسخ شدن و تغییر شکل دادن و رقص با ارواح همگی در هنگام اجرا تأثیر فراوانی بر روی حضار می‌گذارد.

از جمله این رقص‌های محیرالعقول، رقص قبیله واسوکوما (Wa - Sukuma) است که رقصان در حین حرکت مار زنده‌ای را بر طبق آداب و رسوم خود به دور گردن پیچیده و همراه با آن رقص موسوم به بوگو بوگو (Bogo Bogo) را آغاز می‌کند. به طور سنتی عقیده بر این است که مار با افعی افسون و طلسم می‌شود و لذا رقصان

بدنشان را در اختیار این خزنده کشنده قرار می‌دهند تا حیوان به طور کامل دور تا دور بدن آنها حلقه بزند. گهگاه و در مواردی نادر پیش آمده که مار یا افعی پیش از اینکه به وسیله ضربه‌ای از سوی ناظران گیج شود، به سوی طبالان خزیده و قصد حمله به آنان را داشته است.

### مذهب

هر یک از قبایل بانتو و غیربانتو دارای مفهوم سنتی خاصی از خدا و مذهب می‌باشند و اگر چه نام‌ها ممکن است از یک قبیله تا قبیله دیگر تغییر پیدا کنند، اما تصور عمومی بر مبنای وجود پروردگار و خالق جهان است. طرق و روش عبادت نیز در بین قبایل مختلف تفاوت دارد. آنها معتقدند خدا در همه جا و در یک زمان وجود دارد. او آغاز و پایان است، قدرت مطلق است، می‌دهد و می‌گیرد، خلق می‌کند و می‌میراند. آنها قاطعانه معتقدند در ابتدا خدا جهان، مرده، زن، درختان، کوهستان‌ها، رودخانه‌ها دریاچه‌ها، حیوانات، باران و خورشید را بر طبق نظم خاص و هدف مشخصی خلق کرد و هر یک از این مخلوقات دیگری را کامل می‌کنند. علاوه بر این خداوند هر چیزی را خلق کرد تا نماینده او در روی زمین باشد. بنابراین، می‌توان گفت: خدا درخت است، خدا کوهستان است، خدا دریاچه است و... و در مجموع تمام پدیده‌های طبیعی مظاهری از نمود خداوند هستند.

آنان معتقدند که خدا بخشنده و مهربان و توانای مطلق در تمامی امور است و در عین حال خطاکاران را نیز مجازات می‌کند. خداوند مقدس، خردمند، توانا، با



سختی، قدرتمند و مصون از گناه و اشتباه است، با وجود این زمانی که عملی خطا از انسان‌ها سر می‌زند خدا بر آنان خشم می‌گیرد. آنان علائم خشم خداوند را فاجعه‌های طبیعی نظیر زمین لرزه، مرگ، طوفان‌های وحشتناک، گرمای کشنده و باران‌های سنگین می‌دانند که سبب نابودسازی محصولات کشاورزی و حیوانات می‌شود. اینها همه نمایانگر عصبانیت و خشم خداست. در این گونه موارد عبادات و اعمال گوناگونی از سوی قبایل (به قصد آرام ساختن خداوند و عذرخواهی از وی) انجام می‌گیرد. بر طبق عقاید آنان خداوند ناظر بر هر چیز بوده و هیچ عملی به دور از خواست و اراده او صورت نمی‌گیرد. اوست که تصمیم می‌گیرد و اوست که اراده می‌کند چه چیز اتفاق بیفتد و چه چیزی اتفاق نیفتد.

تولد بچه‌ها نیز براساس خواست و اراده خداوند است. بر طبق عقاید سنتی انسان‌ها در تمام اعمال خود باید از خداوند طلب هدایت و راهنمایی کنند و از این رو آنان به طور خاصی علاقه‌مند به عبادت و ستایش خداوند هستند. بعضی از اسامی خداوند در قبایل مختلف تانزانیا عبارت است از منونو (Mnunev)، رووا (Ruwa)، منونو (Muneu)، مولونگو (Mulungu)، ایشواگا (Ishwaga) و انگای (Engai). در مجموع می‌توان گفت قبایل بانگو و غیربانگو تمایل زیادی به امور مذهبی داشته و سعی دارند از این طریق موجبات جلب رضایت قادر مطلق را فراهم آورند و از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که چرا آنان به سادگی به سوی مذاهب گوناگون نظیر مسیحیت و اسلام گرایش پیدا کرده‌اند. آنان بر طبق طبیعت خود در طلب دین جدیدی هستند تا بتواند خلاءهای فکری و عقیدتی آنها را پر کند. البته قبیله ماسایی تاکنون مقاومت بیشتری در گرایش به اسلام و مسیحیت نشان داده و ترجیح می‌دهد که خدای خود موسوم به انگای (Engai) و پیامبر خود کیندونگوی (Kindongoi) را مورد پرستش قرار دهد. مراسم عبادت آنها در زیر درخت انجیر مقدس یا در کوه خدا موسوم به اولدوینو لینگای (Oldonyo Lengai) انجام می‌گیرد.

### لباس

لباس سنتی بیشتر قبایل تانزانیا قطعه‌ای پارچه یکسره است که در طرح‌ها و رنگ‌های مختلف به وسیله مردان و زنان به دور بدن پیچیده می‌شود. این لباس به کالیکو (Calico)، کانگا (Kanga)، کیتنگه (Kitenge)، شوکا (Shuka) و اسامی دیگر مشهور است و جنس آن از پارچه‌های کتان است. در زمان‌های قدیم این قطعات از پوست درختان، حیوانات یا الیاف درخت خاصی تهیه می‌شد.

اگر چه امروزه تفوق مد لباس‌های غربی بر لباس‌های سنتی در تانزانیا امری بدیهی و واضح است اما هنوز نیز لباس‌های سنتی در گوشه و کنار تانزانیا و دارالسلام به چشم می‌خورد. علاوه بر این، در طول سواحل سرزمین اصلی و زنگبار علی‌رغم گرمای سوزنده خورشید مسلمانان، به خصوص زنان، لباس‌های کاملی پوشیده و خود را از چشم نامحرم دور نگاه می‌دارند. بیشتر آنان لباس‌های مشکی بلندی به نام بای بول (Baibul) بر تن می‌کنند، مردان ساحل نشین نیز اغلب لباس‌های بلند سفیدی به نام کانزو (Kanzu) بر تن می‌کنند.

در تانزانیا لباس‌های کیتانگه (Kitange) و کانگا (Kanga) از مناسب‌ترین لباس‌ها برای زنان به شمار می‌رود و تمام زنان در هر سن و در تمام مناسبت‌ها اعم از لباس منزل و کار، مزرعه، جشن‌ها، عروسی، تشییع جنازه و مجالس بسیار رسمی از این نوع لباس‌ها می‌پوشند. بسیاری از آنان با استفاده از این لباس‌ها بچه‌های کوچک و شیرخوار خود را بر دوش حمل کرده و یا وسایل و اقالم خریداری شده را جابجا می‌کنند. در نواحی ساحلی در بدو ازدواج اگر شوهری قادر به خریداری کانگا برای زن خود نباشد، این امر نه تنها توهین و تحقیری برای زن و خانواده‌اش به شمار می‌رود بلکه ممکن است حتی برگزاری ازدواج و شروع زندگی جدید را به خطر اندازد.

در حال حاضر، هنوز قبایلی وجود دارند که به هیچ عنوان حاضر به استفاده از البسه غربی نیستند. ماسایی‌ها مانند گذشتگان خود از لباس‌های محلی استفاده می‌کنند، مردهای ماسایی تنها به یک تکه پارچه بلند روشن (معمولاً به رنگ قرمز) که بدن آنها را از سینه تا زانو می‌پوشاند، کفایت می‌کنند و نیزه و سپر و چاقو نیز از ابزار اصلی مردان ماسایی محسوب می‌شود. برای اینکه اختلاف جنسی بین زن و مرد ماسایی مشخص گردد زنان ماسایی سراسر گردن، بازوها، پاها و گوش‌های خود را با جواهرات ساخته شده از خوشه‌های جو تزئین می‌کنند. آنها همچنین در مقابل رسوخ تمدن غربی و آرایش به شیوه غرب مقاومت می‌ورزند و تنها از برنز، نقره و مس، علاوه بر خوشه‌های جو، استفاده می‌کنند. قبیله ماکونده هنوز در خالکوبی بدن و صورت و سوراخ کردن دندان‌های خود اصرار می‌ورزند و زنان آنها اغلب لب‌های خود را با قراردادن اجسامی در زیر آنها به حالت گرد و بلند در می‌آورند. قبیله وازاناکا (Wazanaki) واقع در کنار دریاچه ویکتوریا دندان‌های خود را سوهان می‌زنند. قبایل واهه هه (Wa - Hehe)، واندنگره کو (Wa - Ndengereko) و بعضی دیگر از قبایل بانگو صورت خود را با علائم خاصی خالکوبی می‌کنند.

در زنگبار و در طول سواحل، نقاشی دست‌ها و

ناخن‌ها با حنا، به خصوص در جشن‌های خاصی نظیر عروسی و جشن‌های مذهبی، بسیار مرسوم است.

### هنر و صنایع دستی

هنر و صنایع دستی در سراسر تانزانیا در برگیرنده حلقه گسترده‌ای از کارهای زیبا و با ظرافت است. سبدهای بافته شده، کوزه‌ها و صندوق‌های چوبی، طبل‌های چوبی، حصیرها، سفال‌ها، مجسمه‌های چوبی بسیار زیبا، نقاشی‌ها و سایر هنرهای دستی نمایانگر قدرت و اهمیت این شغل در تانزانیاست. اهالی قبیله ماکونده در کار قلم‌زنی و کنده‌کاری بر روی چوب آبنوس بسیار مشهورند. افراد این قبیله که سال‌ها پیش از موزامبیک به نواحی جنوبی تانزانیا مهاجرت کرده‌اند، به شیوه سنتی خود نظیر استفاده از پوشش محلی، رقص و آوازهای بومی و استفاده از ماسک در حین اجرای مراسم وفادار مانده و جدای از آن در کنده‌کاری و حکاکی بر چوب بسیار ماهر و قابل می‌باشند. آنان با زیبایی هر چه تمامتر بر روی چوب تلاش انسان، عشق، احساسات، ترس و نگرانی، خوشحالی و خشم وی را به نمایش می‌گذارند. در سواحل سرزمین اصلی و زنگبار، در مناطق خاصی مجسمه‌های چوبی بسیار زیبایی به شکل‌ها و طرح‌های گوناگون ساخته و به فروش می‌رسد که سخت مورد علاقه جهانگردان آمریکایی و اروپایی است.

حتی جوامع بسته‌ای نظیر آسیایی‌های مقیم کشور نیز قادر به ایستادگی در مقابل نفوذ تدریجی زبان سواحیلی به درون جوامع خود نبوده و لذا آنان نیز امروزه به این زبان آشنایی کامل پیدا کرده‌اند. به هر صورت، زبان واحد و توزیع نسبی قبایل در سراسر کشور و وحدت عقیدتی و ملی موجود سبب آرامش و ثبات تانزانیا در تمام طول تاریخ این کشور، به خصوص پس از استقلال آن گردیده است، به گونه‌ای که بر خلاف سایر کشورهای آفریقایی تا کنون حتی یک مورد برخورد قبایل نظیر کشورهای همسایه - رواندا، بوروندی، زئیر و زامبیا - مشاهده نگردیده و مطمئناً با ادامه روند فعلی وحدت ملی بعدها نیز هرگز به خطر نخواهد افتاد.

### منابع:

1. R. C. Jerrard, *The Tribes of Tanzania, Their Districts Usual Diatery and Pursuits*, 1936.
2. E. Cepolome and G.P. Hill, *Language in Tanzania*.
3. 1988 Population Census preliminary Report by Bureau of Statistics, Ministry of Finance, Economic Affairs and planning.
4. J.p Mofetto, *Handbook of Taganyika*.
5. P. Van Pett, *Bantu Customs in Mainland Tanzania*.
6. J. Mashengo, *History of Tanzania (1880 - 1980)*.
7. Chief Nangoli, *No More lies About Africa*.

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - دارالسلام



موقعیت فعلی قبایل و تأثیر متقابل آنها بر هم علی‌رغم تنوع و اختلاف نژادی، تانزانیا یکی از توسعه‌یافته‌ترین و قابل ملاحظه‌ترین مظاهر وحدت ملی در بین گروه‌های نژادی مختلف کشور است. این کشور تنها کشور آفریقایی است که عامل زبان نه تنها موجب تفرقه مردم نشده بلکه آنها را هر چه بیشتر به هم پیوند داده است؛ علت این امر پذیرفته شدن زبان سواحیلی به وسیله تمام مردم و ساکنان تانزانیا به عنوان زبان رسمی و ارتباطی کشور است. نتایج پذیرش این زبان مشخص است، در تانزانیا هیچ گونه مشکلی از لحاظ برقراری ارتباطات و مواجه شدن با زبان‌های متفاوت، نظیر سایر کشورهای آفریقایی، وجود ندارد و از این رو مردم در حین مواجه شدن با مشکل خاصی که وحدت کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد، به راحتی با یکدیگر همسو و متحد می‌شوند. تقریباً تمام قبایل در تانزانیا علاوه بر زبان و لهجه بومی خود به زبان سواحیلی نیز تکلم می‌کنند.